

مقایسه اثربخشی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای رسمی و غیررسمی بر اشتغال

محمد خالدی^۱

محسن رفعتی^۲

چکیده

این مطالعه با هدف بررسی و مقایسه اثربخشی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای رسمی و غیررسمی بر اشتغال انجام گرفت. برای دستیابی به اهداف مورد نظر داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز از طریق پرسشنامه و با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای از یک نمونه با حجم ۱۳۲۱ نفر جمع‌آوری شد. برای تحلیل داده‌ها از روش‌های آماری توصیفی و آماره‌های پارامتری و غیرپارامتری بهره گرفته شد. در این راستا، اثربخشی آموزش‌ها بر اشتغال از دو منظر افزایش ظرفیت اشتغال و بهبود اثربخشی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر توانمندی و موفقیت شغلی، ایجاد خلاقیت و تثبیت و توسعه شغل مورد تحلیل قرار گرفت. مقایسه اثربخشی آموزش‌های رسمی و غیررسمی گویای آن است که در حالت کلی آموزش‌های غیررسمی (مراکز فنی و حرفه‌ای) نسبت به آموزش‌های رسمی از نظر تأثیر بر توانمندی شغلی و افزایش مهارت شاغلین مزیت دارند. بنابراین، توصیه می‌شود که همانند گذشته توجه ویژه‌ای به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای غیررسمی به عمل آید. به بیان دیگر، هر نوع سیاست حمایتی جهت گسترش مراکز فنی و حرفه‌ای دولتی و حمایت از آموزشگاه‌های آزاد می‌تواند به بهبود وضعیت اشتغال کشور کمک کند.

واژگان کلیدی: آموزش‌های فنی حرفه‌ای رسمی و غیررسمی، اثربخشی، اشتغال

۱. استادیار موسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی

Email: mkhaledi1352@gmail.com

۲. مربی پژوهشی و عضو هیئت علمی موسسه علمی پژوهش‌های برنامه‌ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی

دریافت مقاله: ۹۱/۲/۱۵ تصویب نهایی: ۹۱/۸/۳۰

مقدمه

آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، انجام فعالیت‌هایی است که فرد را برای احراز شغل، پیشه و کسب و کار آماده می‌کند یا کارایی و توانایی وی را در انجام آن افزایش می‌دهد. این آموزش‌ها کسب مهارت‌ها را در زمینه فناوری تکنولوژی و علوم وابسته به همراه دانش‌های خاص مربوط به مشاغل بخش‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی ارائه می‌دهد. گسترش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در کشورهای گوناگون، با هدف افزایش مهارت و توانایی افراد در جهت ایجاد اشتغال و درآمد شکل گرفته است (خداوردیان و حسینی، ۱۳۸۵). این آموزش‌ها تأثیرات شگفت‌آوری در توانمندسازی فراگیران برخوردار است و چنانچه به شکل صحیح اجرا شود، زمینه را برای تغییرات وسیع دانشی، بینشی و مهارتی فراهم می‌کند. بخشی از وظیفه‌مندی نهادهای دولتی در اجرای برنامه‌هایی چون اشتغال زایی، افزایش بازده تولید، افزایش توانمندی‌های شاغلان و نظایر آن، باید به کمک آموزش‌های فنی حرفه‌ای تحقق پذیرد. درک چنین اهمیتی از سوی برنامه‌ریزان کشور در ادوار مختلف برنامه‌ریزی، به‌ویژه برنامه‌های توسعه‌ای بعد از انقلاب، سبب توجه و گرایش‌پذیری کارشناسان، مدیریتی و سیاست‌گذاری به این حوزه شده است (محمدقلی نیا و همکاران، ۱۳۸۵).

با توجه به اهمیت اشتغال، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، یکی از موضوعات مهمی که همواره مورد توجه محققان، برنامه‌ریزان و سیاستگذاران قرار دارد، ارائه آموزش‌های لازم و مناسب برای توسعه اشتغال است. این موضوع موجب شده است که در کنار آموزش‌های نظری و دانشگاهی، گسترش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در دستور کار اغلب کشورهای در حال توسعه قرار گیرد. در کشور ما نیز آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در قالب آموزش‌های رسمی (هنرستان‌های فنی حرفه‌ای و کار دانش و دانشگاه‌های علمی-کاربردی) و غیررسمی (توسط مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای وابسته به وزارت کار و امور اجتماعی) به دانش‌آموختگان انتقال داده می‌شود. به نظر می‌رسد هدف اصلی طراحان آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، کاربردی کردن آموزش‌ها و ارائه فنون و مهارت‌های مورد نیاز بازار کار و در نهایت زمینه‌سازی برای اشتغال دانش‌آموختگان باشد. بنابراین، باید اثربخشی چنین آموزش‌هایی، به‌ویژه بر اشتغال، مورد مطالعه و تحقیق قرار گیرد.

در پژوهش‌هایی که در کشورهای مختلف انجام شده است، محققان به اهمیت آموزش در افزایش کارایی، بهره‌وری و توسعه اقتصادی کشورها اشاره کرده‌اند

(فیلیپس^۱، ۱۹۹۴؛ حداد^۲ و همکاران، ۱۹۹۱؛ نایت و یورک^۳، ۲۰۰۲؛ تیلاک^۴، ۲۰۰۲ و آپلتون و بالیهوتا^۵، ۱۹۹۶). پژوهش‌های انجام گرفته در خصوص رابطه آموزش و اشتغال، چه در داخل و چه در خارج، متعدد است. برخی از پژوهش‌ها نشان داده‌اند که احتمال بیکاری برای افراد تحصیل کرده (آموزش دیده) نسبت به افراد با تحصیلات اندک کمتر است. این نتیجه نشان می‌دهد که آموزش یک راه مناسب برای غلبه بر ریسک‌های مرتبط با بیکاری است. یکی از سؤالات که همواره مورد توجه محققان بوده، این است که تا چه حد آموزش در سطح کلان اقتصادی بر اشتغال تأثیر می‌گذارد. از اوایل دهه ۱۹۹۰، در خصوص رابطه اشتغال کل و آموزش پژوهش‌های نظری انجام شده است.

در تحقیقات مربوط به اشتغال، محققان شاخص‌های گوناگونی را به کار برده‌اند. بسیاری از مطالعات اشتغال را بر حسب سطوح درآمدی یا وضعیت اشتغال مورد سنجش قرار می‌دهند (تیچلر^۶، ۲۰۰۲). برخی از مطالعات زمان سپری شده از فارغ‌التحصیلی تا اشتغال (برون^۷، ۱۹۹۰) و برخی دیگر سال‌هایی را که در یک کار یا رشته تخصصی سپری شده است به عنوان متغیر وابسته مورد بررسی قرار داده‌اند (نایت و یورک، ۲۰۰۲؛ پورسل و کوئین^۸، ۱۹۹۶). گویال و ویلر (گویال و ویلر^۹، ۲۰۰۶) مطالعه‌ای را با عنوان تحصیلات دانشگاهی و پیامدهای اشتغال در استرالیا انجام دادند. آنان به دنبال آن بودند تا ببینند که آیا فارغ‌التحصیلان دانشگاهی شاغل هستند و همچنین آیا در حوزه تخصصی خودشان به کار گرفته شده‌اند. نتیجه مطالعه آنان نشان‌دهنده موفقیت برای فارغ‌التحصیلان شاغل در رشته مرتبط با رشته تحصیلی است. افزون بر این بیشتر پاسخ‌دهندگان به این نکته اشاره کردند که انتخاب رشته، نقش مهمی در موفقیت آنان دارد.

آموزش‌های فنی و حرفه‌ای نقش مهمی در بهبود سرمایه انسان‌ها و ترسیم مسیر برای کشورها بازی می‌کنند. در کشورهای در حال توسعه، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای

-
1. Phillips
 2. Hadded
 3. Knight & Yorke
 4. Tilak
 5. Appleton & Balihuta
 6. Teichler
 7. Brown
 8. Purcell & Quinn
 9. Goyal & Weiler

یکی از بخش‌های آموزشی است که اولویت بسیار کمتری در فرمول‌بندی سیاستی، تأمین بودجه و نظارت نسبت به سایر بخش‌ها مانند آموزش پایه به آن داده شده است (فوتی و مافسا^۱، ۲۰۰۷). کورتین^۲ (۲۰۰۴) اشاره کرد که آموزش و کارآموزی حرفه‌ای حرفه‌ای نقش مهمی در نوآوری سازمانی و معرفی نوآوری جدید دارد. هو^۳ (۲۰۰۷) اظهار می‌دارد که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای باید ایده‌های نوآورانه را به یادگیران آموزش دهند. وی در تحقیقی در تایوان روابط بین آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و ابعاد اجتماعی، اقتصادی و محیطی از یک طرف و توسعه راهبردها به سمت پایداری این آموزش‌ها از طرف دیگر را بررسی کرده است.

اوکچ^۴ (۲۰۰۷) در پژوهشی بر مسائل و روندهای آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در آفریقا متمرکز شده است. بر اساس نظر سازمان بین‌المللی کار (۲۰۰۶)، نهادهای آموزشی فنی و حرفه‌ای زمانی اثربخش است که به ارائه رشته‌هایی مورد نیاز آموزش دیدگان و ایجاد مهارت‌هایی برای کمک به اشتغال و اهداف عدالت اجتماعی و اقتصادی مطلوب ملی بپردازد.

گری و آن‌ماری^۵ (۱۹۹۲) در پژوهشی اثربخشی هزینه‌ای آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در کشورهای در حال توسعه را مورد بررسی قرار دادند. در این تحقیق دو مجموعه پیشنهاد ارائه شد که عبارتند از ارائه راهبردهایی برای بهبود نسبت بین نهادهای و محصولات و افزایش اثربخشی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای از راه بهبود کیفیت محصولات آن و تمرکز بیشتر بر اهداف محوری که بر مبنای آن این آموزش‌ها شکل گرفته‌اند.

در ایران، پژوهش‌های زیادی در حوزه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای انجام شده است. در رابطه با اثر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای کشور، حاجی میررحیمی و همکاران (۱۳۸۵)، تأثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای را بر توسعه اجتماعی جوامع روستایی از ابعاد اشتغال‌زایی، تربیت نیروی انسانی ماهر؛ خداوردیان و حسینی (۱۳۸۵)، سودمندی دوره‌های آموزش فنی و حرفه‌ای غیررسمی وزارت جهاد

-
1. Phuthi & Maphosa
 2. Curtain
 3. Hu
 4. Oketch
 5. Gray & Ann-Marie

کشاورزی آموزشی در سطح روستاهای استان تهران؛ محمدقلی نیا و همکاران (۱۳۸۵) اثربخشی آموزش‌های فنی حرفه‌ای غیررسمی برگزار شده توسط وزارت جهاد کشاورزی؛ کریمی (۱۳۸۵) تأثیر آموزش‌های فنی حرفه‌ای غیررسمی بخش امور دام در افزایش سطح دانش و مهارت فراگیران؛ یوسفی (۱۳۸۴) اثربخشی دوره‌های آموزشی فنی و حرفه‌ای غیررسمی پرواربندی گوسفند در استان آذربایجان غربی را مورد بررسی قرار داده‌اند.

درباره اثربخشی دوره‌های علمی-کاربردی بر اشتغال، شفیعی قصر (۱۳۸۵) به بررسی مقایسه‌ای دو نظام آموزش عالی علمی - کاربردی ناپیوسته و پیوسته فنی و حرفه‌ای کشاورزی مرکز آموزش کشاورزی بروجرد در سال ۱۳۸۳ پرداخت. رایج و همکاران (۱۳۸۵) اثر بخشی دوره‌های آموزشی کوتاه مدت مراکز آموزش جهاد کشاورزی استان گلستان؛ شاه پسند و همکاران (۱۳۸۵) عوامل افزایش و کاهش تأثیر آموزش‌های ضمن خدمت در توانمندی شغلی مدیران، همچنین تأثیر این عوامل بر آموزش‌های ارائه شده به مدیران و معاونان وزارت جهاد کشاورزی در توانمندی آنان؛ محمدزاده نصرآبادی و همکاران (۱۳۸۳) وضعیت اشتغال، توانمندی شغلی و موفقیت شغلی دانش‌آموختگان آموزش عالی علمی-کاربردی در بخش کشاورزی را تحلیل کرده‌اند.

درباره اثربخشی آموزش‌های هنرستانی، صالحی، زین‌آبادی و کیامنش (۱۳۸۵) پژوهشی را با هدف ارزشیابی کیفیت عملکرد (بروندادها) هنرستان‌های کاردانش منطقه ۲ شهر تهران انجام داده‌اند. شاه‌خزینا (۱۳۸۰) وضعیت اشتغال و ادامه تحصیل فارغ‌التحصیل شاخه فنی و حرفه‌ای نظام جدید دختران شهر تهران؛ فتح‌آبادی (۱۳۸۰) وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان سال‌های ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۶ شاخه کاردانش استان مرکزی؛ منفرد (۱۳۸۱) رابطه آموزش هنرستان‌های کشاورزی استان فارس با اشتغال دانش‌آموختگان آن‌ها؛ صابری (۱۳۸۳) ارزشیابی آموزش‌های شاخه کاردانش با توجه به اهداف از پیش تعیین شده در استان کرمان؛ فتاحی (۱۳۷۷) وضعیت آموزش و اشتغال فارغ‌التحصیلان رشته‌های فنی و حرفه‌ای استان مازندران مورد ارزیابی قرار داده‌اند.

با وجود پژوهش‌های انجام‌شده در خصوص اثربخشی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، مقایسه اثربخشی آموزش‌های رسمی و غیررسمی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. به همین دلیل، این مطالعه با هدف ارزشیابی اثربخشی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای رسمی و غیررسمی بر اشتغال از دو منظر افزایش ظرفیت اشتغال و بهبود اثربخشی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر توانمندی و موفقیت شغلی، ایجاد خلاقیت و تثبیت و توسعه شغل انجام گرفته است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع تحقیقات توصیفی - پیمایشی و ابزار اصلی جمع آوری داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز، پرسشنامه است. برای تحلیل داده‌ها افزون بر روش‌های آماری توصیفی، از روش‌های آمار استنباطی و آمارهای پارامتری و غیرپارامتری بهره گرفته شد. جامعه آماری تحقیق تمامی آموزش‌دیدگان مراکز آموزش فنی و مهارتی در محدوده استان تهران به شرح زیر بوده است:

✓ مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای، اعم از دولتی (مراکز ثابت) و غیر دولتی (آموزشگاه‌های آزاد) زیر پوشش اداره‌های کل آموزش فنی و حرفه‌ای تهران و

کرج،

✓ هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش، اعم از دولتی و غیرانتفاعی، زیر پوشش

سازمان‌های آموزش و پرورش شهر تهران و شهرستان‌های استان تهران، و

✓ مراکز آموزشی دانشگاه جامع علمی - کاربردی در محدوده استان تهران؛

روش نمونه‌گیری مورد استفاده در تحقیق حاضر، نمونه‌گیری طبقه‌ای است. برای

این منظور ابتدا، جامعه آماری به دو زیربخش آموزش‌دیدگان فنی و حرفه‌ای

(آموزش‌دیدگان غیررسمی) و فارغ‌التحصیلان هنرستان‌ها و دانشگاه جامع علمی -

کاربردی (آموزش‌دیدگان رسمی) تقسیم شد. این موضوع به این دلیل انجام می‌شود که

آموزش‌دیدگان فنی و حرفه‌ای نزدیک به ۹۰ درصد کل جامعه آماری را شامل شد؛ از

سوی دیگر روابط تعیین حجم نمونه در روش نمونه‌گیری طبقه‌ای با انتساب متناسب به

شکلی است که افزایش تعداد جامعه آماری، موجب افزایش متناسب در تعداد نمونه

نمی‌شود. بنابراین، ادغام تمامی زیربخش‌ها و کلی‌نگری در خصوص آموزش‌دیدگان

مهارتی شرایطی ایجاد می‌کند که شامل تعداد مناسبی از طبقات فارغ‌التحصیلان

هنرستانی و علمی - کاربردی را شامل نمی‌شود.

حجم نمونه لازم با استفاده از فرمول حجم نمونه در روش طبقه‌بندی نسبتی در

زیربخش مربوط به آموزش‌دیدگان مرتبط با سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای ۳۷۵ و در

زیربخش مربوط به آموزش‌دیدگان علمی - کاربردی و هنرستان‌ها ۳۳۹ تعیین شد. برای

انتخاب نمونه مورد مطالعه از هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش و همین‌طور

آموزشگاه‌های فنی و حرفه‌ای وابسته به وزارت کار و امور اجتماعی، نخست کل استان

و شهرستان‌های آن به مناطق آموزشی مختلف تقسیم شد. تقسیم‌بندی انجام گرفته بر

اساس تقسیم‌بندی آموزش و پرورش است که این تقسیم‌بندی برای شهر تهران معادل

با مناطق مختلف شهرداری است. برای انتخاب نمونه، نخست، به طور تصادفی تعدادی

از مناطق انتخاب شده‌اند و سپس تعدادی از مراکز و پس از آن تعدادی از دانش‌آموختگان به صورت تصادفی انتخاب می‌شوند. نمونه لازم برای دانش‌آموختگان علمی-کاربردی نیز، بر اساس محاسبات انجام‌شده نخست تعدادی از مراکز آموزش‌های علمی-کاربردی به صورت تصادفی انتخاب شده‌اند و پس از آن تعدادی از دانش‌آموختگان به صورت تصادفی انتخاب شد.

برای تحلیل داده‌ها افزون بر روش‌های آماری توصیفی (مانند شاخص‌های فراوانی، درصد تراکمی و رسم نمودار)، از روش‌های آمار استنباطی و آمارهای پارامتری و غیرپارامتری بهره گرفته خواهد شد. برای این منظور استفاده از نرم افزارهای آماری مانند SPSS، EXCELL و همین‌طور نرم‌افزارهای اقتصادسنجی ضروری خواهد بود.

در این تحقیق، الف) «اشتغال» و ب) «توانمندی و موفقیت شغلی، ایجاد خلاقیت و تثبیت و توسعه شغل» دو متغیری است که در بین دو نظام رسمی و غیررسمی مهارت‌آموزی، مورد مقایسه قرار گرفته است که به شرح زیر تعریف شده‌اند:

اشتغال: به مفهوم مشغول به کار بودن افراد در یک فعالیت اقتصادی است. توانمندی و موفقیت شغلی، ایجاد خلاقیت و تثبیت و توسعه شغل: به مفهوم توانایی هر فرد در انجام کارهایی است که از وی انتظار می‌رود. توانایی و موفقیت شغلی به امنیت، امکانات رفاهی، روابط خوب انسانی و ایجاد درآمد منجر می‌شود. افزون بر این، ایجاد خلاقیت و کارآفرینی و تثبیت و توسعه شغل به عنوان شاخصی از اشتغال دارای اهمیت است.

یافته‌های پژوهش

همان‌گونه که قبلاً ذکر گردید، اثربخشی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر اشتغال از دو منظر افزایش ظرفیت اشتغال و بهبود اثربخشی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر توانمندی و موفقیت شغلی، ایجاد خلاقیت و تثبیت و توسعه شغل بین آموزش‌های رسمی و غیررسمی مورد تحلیل قرار گرفته است. قبل از بررسی اثربخشی آموزش‌ها، وضعیت اشتغال قبل و بعد از اتمام دوره و وضعیت اشتغال افراد بیکار پس از اتمام دوره در دو گروه آموزش‌های رسمی و غیررسمی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

وضعیت اشتغال قبلی آموزش‌دیدگان به تفکیک رسمی و غیررسمی در جدول ۱ ارائه شده است. نتایج حاصل از این مقایسه نشان می‌دهد ۳۸/۷ درصد از آموزش‌دیدگان مراکز فنی و حرفه‌ای وزارت کار و امور اجتماعی از قبل شاغل بوده‌اند، در حالی که تنها ۲۱/۲ درصد از فراگیران آموزش‌های رسمی از قبل شاغل بوده‌اند. به عبارت دیگر،

درصد متقاضیان آموزش‌های غیررسمی که از قبل شاغل بوده‌اند نسبت به فراگیران دوره‌های رسمی بیشتر است. لذا، بخش عمده‌ای از متقاضیان آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با هدف افزایش توانمندی شغلی خودشان این آموزش‌ها را کسب می‌کنند.

جدول شماره ۱- مقایسه وضعیت اشتغال قبل از شروع دوره به تفکیک نوع آموزش‌ها

وضعیت اشتغال قبلی	غیررسمی		رسمی	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
غیرشاغل	۶۱/۳	۲۳۰	۷۸/۸	۲۶۷
شاغل	۳۸/۷	۱۴۵	۲۱/۲	۷۲
جمع کل	۱۰۰/۰	۳۷۵	۱۰۰/۰	۳۳۹

مقایسه وضعیت اشتغال بعد از اتمام دوره به تفکیک نوع آموزش‌ها در جدول ۲ ارائه شده است. نتایج حاصله گویای بالاتر بودن درصد فراگیران آموزش‌های غیررسمی (فنی و حرفه‌ای) نسبت به فراگیران آموزش‌های رسمی است.

جدول شماره ۲- مقایسه وضعیت اشتغال بعد از اتمام دوره به تفکیک نوع آموزش‌ها

وضعیت اشتغال	غیررسمی		رسمی	
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
غیرشاغل	۶۰/۰	۲۲۵	۶۶/۱	۲۲۴
شاغل	۴۰/۰	۱۵۰	۳۳/۹	۱۱۵
جمع کل	۱۰۰/۰	۳۷۵	۱۰۰/۰	۳۳۹

نتایج حاصل از مقایسه مراکز مختلف نشان می‌دهد که آموزش‌دیدگان مراکز علمی-کاربردی بیشترین درصد شاغلین را بعد از اتمام دوره آموزشی دارند. لازم به ذکر است که اغلب این افراد کسانی هستند که از قبل شاغل بوده‌اند. پس از دانش‌آموختگان مراکز علمی-کاربردی، آموزش‌دیدگان مراکز فنی و حرفه‌ای (با ۴۰ درصد) و فارغ‌التحصیلان هنرستان‌ها (با ۲۷ درصد) کمترین درصد شاغلین پس از اتمام دوره را دارند.

در جدول ۳ وضعیت اشتغال افراد بیکار پس از اتمام دوره برای آموزش‌دیدگان رسمی و غیررسمی مقایسه شده است. نتایج حاصل از این مقایسه نشان می‌دهد که ۲۳/۲ درصد از آموزش‌دیدگان دوره‌های رسمی و ۱۳/۵ درصد از آموزش‌دیدگان

دوره‌های غیررسمی پس از اتمام دوره موفق به یافتن شغل شده‌اند. با در نظر گرفتن زمان یا دوره آموزش که برای آموزش‌های رسمی که در مطالعه حاضر حدود ۵ برابر آموزش‌های غیررسمی به دست آمد؛ می‌توان نتیجه گرفت که کارآیی آموزش‌های غیررسمی بر ایجاد شغل با توجه به زمان یا دوره یادگیری که فراگیران صرف می‌کنند بسیار بالاتر است.

جدول شماره ۳- وضعیت اشتغال افراد بیکار بعد از اتمام دوره به تفکیک نوع آموزش‌ها

وضعیت اشتغال	غیررسمی		رسمی	
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
غیرشاغل	۸۶/۵	۱۹۹	۷۶/۸	۲۰۵
شاغل	۱۳/۵	۳۱	۲۳/۲	۶۲
جمع کل	۱۰۰/۰	۲۳۰	۱۰۰/۰	۲۶۷

علاوه بر اثربخشی کلی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، مقایسه اثربخشی این آموزش‌ها بین فراگیران آموزش‌های رسمی و غیررسمی دارای اهمیت است. برای مقایسه اثربخشی آموزش‌ها بر توانمندی و موفقیت شغلی، ایجاد خلاقیت و تثبیت و توسعه شغل بین آموزش‌های رسمی و غیررسمی از آزمون من-ویتنی استفاده شده است. نتایج به دست آمده در جدول ۵ مشاهده می‌شود. در ستون سمت راست جدول ۴ گویه‌ها یا شاخص‌های بیان‌کننده توانمندی شغلی دیده می‌شود. چهار ستون انتهایی سمت چپ جدول نشان‌دهنده مقدار آماره Z و سطح معنی‌داری است. علاوه بر این، در این جدول شاخص‌هایی که اثر معنی‌داری بر توانمندی و موفقیت شغلی، ایجاد خلاقیت و تثبیت و توسعه شغل داشته‌اند، همراه با نوع آموزش‌هایی که دارای مزیت بوده‌اند مشخص شده است.

جدول شماره ۵- نتایج مقایسه اثربخشی آموزش‌ها بین آموزش‌های رسمی و غیررسمی

آموزش‌های دارای مزیت	وضعیت معنی داری	معنی داری	Z	گویه‌های مختلف
--	--	.۶۰۶	-۰.۵۱۶	میزان تناسب رشته تحصیلی (مدرک آموزشی) با فعالیت یا شغل فعلی آموزش دیدگان
غیررسمی	معنی دار	.۰۸۶	-۱.۷۱۴	میزان رضایت آموزش دیدگان از شغل فعلی
--	--	.۳۴۹	-۰.۹۳۶	تأثیر دوره بر افزایش حقوق یا درآمد آموزش دیدگان
غیررسمی	معنی دار	.۰۲۴	-۲.۲۵۳	تأثیر دوره بر بهبود زندگی و امکانات رفاهی آموزش دیدگان
غیررسمی	معنی دار	.۰۰۰	-۰.۱۰۹	تأثیر دوره بر افزایش دانش و آگاهی آموزش دیدگان در مورد شغل
غیررسمی	معنی دار	.۰۰۰	-۶.۳۴۷	تأثیر دوره بر افزایش مهارت و کارایی آموزش دیدگان
غیررسمی	معنی دار	.۱۰۲	-۱.۶۳۷	میزان تقویت انگیزه برای ادامه فعالیت در شغل فعلی توسط آموزش دیدگان
--	--	.۶۳۶	-۰.۴۷۳	میزان تأثیر دوره بر توان مدیریتی آموزش دیدگان
رسمی	معنی دار	.۰۵۹	-۱.۸۸۸	تأثیر دوره بر افزایش کمیت تولیدات و خدمات آموزش دیدگان
--	--	.۸۰۹	-۰.۲۴۲	تأثیر دوره بر بهبود کیفیت تولیدات و خدمات آموزش دیدگان
غیررسمی	معنی دار	.۰۰۰	-۳.۶۸۷	میزان موفقیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در تربیت نیروی کار آفرین و خلاق
--	--	.۸۷۳	-۰.۱۶۰	تأثیر مدرک دوره بر اعطای مجوزهای مختلف کار و حمایت‌های دولتی به آموزش دیدگان
--	--	.۹۸۰	-۰.۰۲۶	میزان مؤثر بودن دوره در استمرار فعالیت یا تثبیت شغل توسط آموزش دیدگان
--	--	.۹۰۸	-۰.۱۱۵	تأثیر دوره بر افزایش امنیت شغلی آموزش دیدگان
--	--	.۳۳۶	-۰.۹۶۲	تأثیر دوره بر بهبود روابط با سایر کارکنان و مهارت‌های تعاملی آموزش دیدگان
--	--	.۸۰۹	-۰.۲۴۲	تأثیر دوره بر دستیابی به اهداف شغلی مورد انتظار آموزش دیدگان

ماخذ: یافته‌های تحقیق

همان‌گونه که قبلاً ذکر شد، هم آموزش‌های غیررسمی (مراکز فنی و حرفه‌ای) و هم آموزش‌های رسمی (هنرستان‌های فنی حرفه‌ای و کاردانش و دانشگاه‌های علمی-کاربردی) با هدف توانمندسازی افراد در جهت ایجاد و توسعه اشتغال طراحی شده است. بنابراین، لازم است مقایسه‌ای بین این آموزش‌ها داشته باشیم تا بتوانیم اثربخشی هر یک از آموزش‌ها را با هم مقایسه کرده و مورد تحلیل قرار دهیم. با استفاده از نتایج ارایه شده در جدول ۵، اختلاف معنی‌داری بین آموزش‌های رسمی و غیررسمی در ارتباط با تأثیر بر توانمندی شغلی مزیت دارند. این تأثیر به صورت‌های تأثیر بر افزایش مهارت و کارایی آموزش‌دیدگان؛ تقویت انگیزه برای ادامه فعالیت در شغل فعلی توسط آموزش‌دیدگان؛ موفقیت در تربیت نیروی کار آفرین و خلاق؛ تأثیر بر بهبود زندگی و امکانات رفاهی آموزش‌دیدگان؛ تأثیر بر افزایش دانش و آگاهی آموزش‌دیدگان در مورد شغل؛ رضایت آموزش‌دیدگان از شغل فعلی وجود دارد و در تمام این موارد تأثیرگذاری آموزش‌های غیررسمی بالاتر بوده است. تنها در مورد تأثیر دوره بر افزایش کمیت تولیدات و خدمات آموزش‌دیدگان، آموزش‌های رسمی اثربخش‌تر بوده‌اند.

مقایسه جزئی‌تر بین اثربخشی آموزش‌ها بر توانمندی در مراکز مختلف آموزشی با استفاده از آزمون ناپارامتری کروسکال-والیس صورت گرفت. نتایج به دست آمده نشان داد که مراکز فنی و حرفه‌ای از طریق میزان رضایت آموزش‌دیدگان از شغل فعلی؛ تأثیر دوره بر بهبود زندگی و امکانات رفاهی آموزش‌دیدگان؛ تأثیر دوره بر افزایش دانش و آگاهی آموزش‌دیدگان در مورد شغل؛ تأثیر دوره بر افزایش مهارت و کارایی آموزش‌دیدگان؛ میزان تقویت انگیزه برای ادامه فعالیت در شغل فعلی توسط آموزش‌دیدگان؛ و تأثیر دوره بر بهبود کیفیت تولیدات و خدمات آموزش‌دیدگان اثربخشی بیشتری بر توانمندی شغلی فراگیران داشته‌اند. نکته جالب توجه در نتایج به دست آمده این است که هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش در هیچ یک از جنبه‌های ارائه شده در زمینه توانمندی شغلی نتوانسته‌اند نسبت به سایر مراکز آموزشی فنی و حرفه‌ای ارجحیت داشته باشند. لذا، به منظور افزایش توانمندی شغلی دانش‌آموزان تغییر در سیاست‌ها و برنامه‌های آموزشی مرتبط با هنرستان‌ها لازم و ضروری به نظر می‌رسد.

بحث و نتیجه‌گیری

این مطالعه با هدف «مقایسه اثربخشی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای رسمی و غیررسمی بر اشتغال» انجام گرفت. در این راستا، اثربخشی آموزش‌ها بر اشتغال از دو منظر افزایش ظرفیت اشتغال و بهبود اثربخشی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر توانمندی و موفقیت شغلی، ایجاد خلاقیت و تثبیت و توسعه شغل مورد تحلیل قرار گرفت. برای

دستیابی به اهداف مورد نظر، یک نمونه تصادفی از فراگیران، شامل آموزش دیدگان فنی و حرفه‌ای، هنرستان‌ها و مراکز علمی-کاربردی انتخاب شد و اطلاعات مورد نیاز جمع‌آوری شد. نتایج پژوهش و پیشنهادهای مفید به صورت زیر جمع‌بندی شده است:

- حدود ۳۰ درصد افرادی که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای رسمی و غیررسمی را فراگرفته‌اند کسانی هستند که از قبل شاغل بوده‌اند و به‌منظور افزایش توانمندی و توسعه شغل خود از این آموزش‌ها استفاده کرده‌اند. این درصد برای متقاضیان آموزش‌های غیررسمی نسبت به فراگیران دوره‌های رسمی بیشتر است.
- با توجه به زمان یا مدت دوره آموزش نیز کارآیی آموزش‌های غیررسمی (مراکز فنی و حرفه‌ای) بر ایجاد شغل نسبت به آموزش‌های رسمی به مراتب بالاتر است.
- مقایسه اثربخشی آموزش‌های رسمی و غیررسمی گویای آن است که در حالت کلی آموزش‌های غیررسمی (مراکز فنی و حرفه‌ای) نسبت به آموزش‌های رسمی از نظر تأثیر بر توانمندی شغلی مزیت دارند. این تأثیر به صورت‌های زیر اعمال شده است:

- تأثیر بر افزایش مهارت و کارآیی آموزش دیدگان؛
- تقویت انگیزه برای ادامه فعالیت در شغل فعلی از سوی آموزش دیدگان؛
- موفقیت در تربیت نیروی کارآفرین و خلاق؛
- تأثیر بر بهبود زندگی و امکانات رفاهی آموزش دیدگان؛
- تأثیر بر افزایش دانش و آگاهی آموزش دیدگان در مورد شغل؛
- رضایت آموزش دیدگان از شغل فعلی.
- از نظر تأثیر بر توانمندی شغلی و افزایش مهارت شاغلین، آموزش‌های غیررسمی نسبت به آموزش‌های رسمی دارای مزیت هستند. بنابراین، توصیه می‌شود که همانند گذشته توجه ویژه‌ای به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای غیررسمی به عمل آید. به بیان دیگر، هر نوع سیاستی جهت گسترش مراکز فنی و حرفه‌ای دولتی و حمایت از آموزشگاه‌های آزاد توسط سازمان فنی و حرفه‌ای می‌تواند به بهبود وضعیت اشتغال کشور کمک کند. علاوه بر این، با توجه به نقش محوری اشتغال در فعالیت‌های آموزشی، در تخصیص بودجه‌های آموزشی لازم است توجه ویژه‌ای به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای شود.
- هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش در هیچ یک از ابعاد آموزشی در زمینه اثربخشی بر توانمندی شغلی نتوانسته‌اند نسبت به سایر مراکز آموزشی ارجحیت داشته باشند. بنابراین، به منظور افزایش توانمندی شغلی دانش‌آموزان تغییر در سیاست‌ها و برنامه‌های آموزشی مرتبط با هنرستان‌ها لازم و ضروری به نظر می‌رسد.

منابع

- حاجی میررحیمی، س. د.، کارپیشه، ل.، و چیدری، م. (۱۳۸۵). تبیین نقش آموزش های فنی و حرفه ای در توسعه اجتماعی جوامع روستایی. مجموعه مقالات همایش علمی آموزش کشاورزی کشور، تهران، آبان ۱۳۸۵.
- خداوردیان، م.، و حسینی، س. ج. (۱۳۸۱). بررسی عوامل موثر بر سودمندی دوره های آموزشی فنی و حرفه ای غیر رسمی جهاد سازندگی برای شاغلین روستایی استان تهران در سال ۱۳۷۷. *مجله علوم کشاورزی*، ۱۸(۱)، ۱۰۹-۱۳۴.
- خداوردیان، م.، حسینی، س. ج. (۱۳۸۵). تحلیل عامل سودمندی دوره های آموزش فنی و حرفه ای غیر رسمی برای شاغلان روستایی استان تهران. *مجموعه مقالات همایش علمی آموزش کشاورزی کشور*، تهران، آبان ۱۳۸۵.
- رایج، ع.، آبیاری، ن. م.، و ترشیزی، م. (۱۳۸۵). بررسی اثر بخشی دوره های آموزشی کوتاه مدت مراکز آموزش جهاد کشاورزی استان گلستان. *مجموعه مقالات همایش علمی آموزش کشاورزی کشور*، تهران، آبان ۱۳۸۵.
- شاه پسند و همکاران (۱۳۸۵). بررسی عوامل افزایش و کاهش تأثیر آموزش های ضمن خدمت در توانمندی شغلی مدیران وزارت جهاد کشاورزی. *مجموعه مقالات همایش علمی آموزش کشاورزی کشور*، تهران، آبان ۱۳۸۵.
- شاهرخ نیا، ط. (۱۳۸۰). *بررسی وضعیت اشتغال و ادامه تحصیل فارغ التحصیل شاخه فنی و حرفه ای نظام جدید دختران شهر تهران طی سال های ۱۳۷۳ الی ۱۳۷۹*. پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته برنامه ریزی درسی، دانشکده علوم اجتماعی و روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی.
- شفیعی قصر، س. م. (۱۳۸۵). بررسی مقایسه ای دو نظام آموزش عالی علمی - کاربردی ناپیوسته و پیوسته فنی و حرفه ای کشاورزی: مطالعه موردی بر روی دو دوره آموزش مکانیزاسیون و مکانیسین ماشین های کشاورزی مرکز آموزش کشاورزی بروجرد سال ۱۳۸۳. *مجموعه مقالات همایش علمی آموزش کشاورزی کشور*، تهران، آبان ۱۳۸۵.
- صابری، ر. (۱۳۸۳). *ارزشیابی آموزش های شاخه کار دانش با توجه به اهداف از پیش تعیین شده در استان کرمان*. شورای تحقیقات سازمان آموزش و پرورش استان کرمان، وزارت آموزش و پرورش.
- صالحی، ک.، زین آبادی، ح. ر.، و کیامنش، ع. (۱۳۸۵). نگاهی تحلیلی بر عملکرد هنرستان های کار دانش، موردی از ارزشیابی کیفیت برون داد های هنرستان های

- کاردانش منطقه ۲ شهر تهران. نوآوری‌های آموزشی، ۱۶(۵)، ۱۶۳-۱۱۹.
- فتاحی، ح. (۱۳۷۷). بررسی وضع موجود آموزش فنی و حرفه‌ای در استان مازندران. دانشگاه علوم و فنون مازندران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
- فتح‌آبادی، م. ب. (۱۳۸۰). بررسی وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان سال‌های ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۶ شاخه کاردانش استان مرکزی. سازمان آموزش و پرورش استان مرکزی، وزارت آموزش و پرورش.
- کریمی، ح. (۱۳۸۵). بررسی تأثیر آموزش‌های فنی حرفه‌ای غیررسمی بخش امور دام در افزایش سطح دانش و مهارت فراگیران. مجموعه مقالات همایش علمی آموزش کشاورزی کشور، تهران، آبان ۱۳۸۵.
- محمدزاده نصرآبادی، م.، پزشکی‌راد، غ.، و چیدری، م. (۱۳۸۳). وضعیت اشتغال، توانمندی شغلی و موفقیت شغلی دانش‌آموختگان آموزش عالی علمی-کاربردی در بخش کشاورزی.
- محمدقلی‌نیا، ج.، خداوردیان، م. ر.، و نیکوکار، غ. (۱۳۸۵). بررسی اثربخشی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای غیررسمی گاو‌داری به بهره‌برداران در محیط‌های روستایی و کشاورزی. مجموعه مقالات همایش علمی آموزش کشاورزی کشور، تهران، آبان ۱۳۸۵.
- منفرد، ن. (۱۳۸۱). بررسی رابطه آموزش‌های هنرستان‌های کشاورزی استان فارس با اشتغال دانش‌آموختگان آن‌ها طی سال‌های ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۹. سازمان آموزش و پرورش استان فارس، وزارت آموزش و پرورش.
- یوسفی، ب. (۱۳۸۴). بررسی اثربخشی دوره‌های آموزش فنی و حرفه‌ای غیررسمی «تربیت پرواریند گوسفند» طی برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در استان آذربایجان غربی. پروژه تحقیقاتی.
- Appleton, S., & Balihuta, A. (1996). Education and agricultural productivity in Uganda. *Journal of International Development*, 8(3), 415-444.
- Brown, S. C. (1990). Selecting students for graduate academic success and employability: A new research direction for sport management, *Journal of Sport Management*, 4(2), 133-146.
- Curtain, R. (2004). Innovation and vocational education and training: Lessons from leading national innovation systems. In Dawe, S. (Eds.), *Vocational education and training and innovation*: 42-58. Adelaide: NCVET.
- Goyal, M. K., & Weiler, B. (2006). University education and employment outcomes: Brand matters. *Monash Business Review*, 2(3), 38-40.

- Gray, L., & Ann-Marie, W. (1992). Cost-effective technical and vocational education in developing countries. Cost-effective technical and vocational education in developing countries. Coombe Lodge Report.
- Hadded, W. D., Carnoy, M., Rinaldi, R. & Regel, R. (1991). Education for development: Evidence for new priorities, *World Bank Discussion Paper* 95, Washington D. C: World Bank.
- Hu, Ru-Ping. (2007). A Strategy for developing technological and vocational education in Taiwan based on innovation perspective. Department of Industrial Education, National Taiwan Normal University.
- Knight, P. T., & Yorke, M. (2002). Employability through the curriculum, *Tertiary Education and Management*, 8(4), 261-276.
- Oketch, M. O. (2007). To vocationalise or not to vocationalise? Perspectives on current trends and issues in technical and vocational education and training (TVET) in Africa. *International Journal of Educational Development*, 27, 220-234.
- Phillips, J. M. (1994.) Farmer education and farmer efficiency: A meta-analysis. In: *Economic Development and Cultural Change*, Chicago: University of Chicago.
- Phuthi, N., & Maphosa, N. (2007). Transforming higher education for effective technical and vocational skills delivery in Zimbabwe. Research seminar-regional scientific committee for Africa. The contribution of higher education to national education systems: Current challenges for Africa. UNESCO Forum on Higher Education, Research and Knowledge.
- Purcell, K., & Quinn, J. (1996). Exploring the education-employment equation in hospitality management: A comparison of graduates and HNDs. *International Journal of Hospitality Management*, 15(1), 51-68.
- Teichler, U. (2002). Graduate Employment and Work in Europe: Diverse situations and common perceptions. *Tertiary Education and Management*, 8(3), 199-216.
- Tilak, J. (2002). *Building human capital in East Asia: What others can learn*. New Delhi: National Institute of Educational Planning and Administration.